

# اهمیت استانداردهای بین‌المللی حسابداری با توجه به فقه و حقوق مدنی

وحید پورمشرقی

یکسان نیست. همچنین آن دسته از منتقدانی که به اهمیت استانداردهای حرفه‌ای واقفند، اما به محتوای آن ایراد می‌گیرند، می‌بایست موارد نقص و اشکال را به همراه ارائه‌ی راهکار عملی و سازنده به مراجع حرفه‌ای پیشنهاد دهند.

۲) در مواقعی که یک قانون به درستی رعایت نشود، به جای آن که به فکر حذف قانون باشیم، می‌بایست به دنبال رفع موانع اجرای قانون و بهبود بستر و سایر اقدامات مورد لزوم باشیم. بنابراین به فرض محال که هدف استانداردها جلوگیری از تقلبات مالی باشد (که هرگز چنین نیست) در شرایط عدم کسب نتیجه، به جای حذف آن‌ها می‌بایست به فکر دلیل و رفع علت آن باشیم. جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و تقلب مالی مستلزم ایجاد بستر مناسب و تدوین قوانین اثربخش بوده، و نمی‌توان صرفاً با به کارگیری استانداردها، نسبت به جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و جرایم مالی دلگرم بود.

◀ بحث دوم: اهمیت و انطباق پذیري استانداردها  
هدف اساسی استانداردها عبارت است

مبانی تعیین‌کننده‌ی قضاوت حرفه‌ای به کار رفته در تهیه‌ی صورتهای مالی را «استانداردهای حسابداری» و قضاوت حرفه‌ای مربوط به نحوه‌ی ارزیابی و اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی را «استانداردهای حسابرسي» می‌نامند

حسابرسي پرداخته و با این استدلال که چون استانداردها توسط بیگانگان تدوین شده اما اخلاق توسط خانواده آموزش داده می‌شود، رعایت اخلاق را از رعایت استانداردها بسیار مهم‌تر و اثربخش‌تر دانسته است. بر مبنای استدلال ایشان، از آن جا که به کارگیری استانداردهای حسابداری در امریکا نتوانسته است از وقوع فسادهای مالی جلوگیری کند و در ایران نیز صورتهای مالی تهیه شده براساس استانداردهای حسابداری فاقد ارزش اطلاعاتی جهت تصمیمات اقتصادی است، بنابراین اثربخشی نداشته و در این وضعیت، اخلاق جایگزین مناسبی است. امید است با ذکر موارد زیر، دیدگاه‌های یاد شده در بالا مورد بازنگری قرار گیرد:

۱) پیش شرط قضاوت عادلانه، وجود چارچوب مدونی برای تشخیص و احراز است. همچنان که یک قاضی با اخلاق نمی‌تواند بدون رجوع به قوانین مربوط به موضوع دعوی، به اتکای اخلاق خویش حکم دهد. زیرا، اخلاق مداری امری نسبی بوده و اثبات‌پذیری آن به سادگی ممکن نیست، به علاوه آن که رفتار و معیار اخلاق نزد افراد مختلف

◀ بحث اول: عقاید نادرست نسبت به استانداردها

۱) تهیه و ارزیابی بی‌طرفانه‌ی صورتهای مالی، مستلزم به کارگیری دو نوع قضاوت حرفه‌ای است. مبانی تعیین‌کننده‌ی قضاوت حرفه‌ای به کار رفته در تهیه‌ی صورتهای مالی را «استانداردهای حسابداری» و قضاوت حرفه‌ای مربوط به نحوه‌ی ارزیابی و اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی را «استانداردهای حسابرسي» می‌نامند. به کارگیری استانداردها چارچوب مناسبی را برای قضاوت حرفه‌ای معین می‌کند و موجب حذف قضاوت‌ها و تحمیل سلايقی است که عمدتاً بر مبنای منافع شخصی استوار است. در عین حال گروهی از دانشگاهیان و اقلیتی از اعضای حرفه، استانداردهای مزبور را به بهانه‌های مختلفی مانند غیرکاربردی و ترجمه بودن آن، نامناسب و نامطلوب می‌دانند. یا گروهی اندک، سعی بر آن دارند تا استانداردهای اسلامی را به طور یک‌طرفه قیاس کنند و مورد توجه قرار دهند. اخیراً نیز یکی از اساتید برجسته دانشگاه در یک همایش ملی به مقایسه اخلاق با استانداردهای حسابداری و

از تعیین چارچوبی برای مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف و فراهم آوردن شرایط لازم برای اخذ تصمیمات اقتصادی، نه جلوگیری از اختلاس و ترویج اخلاق و معارف و جز آن.

علم حسابداری درختی است که ریشه‌ی آن علم اخلاق (اثبات آن موضوع مقاله‌ی دیگری می‌تواند باشد) و میوه‌ی آن استانداردهای حسابداری است. آیا ریشه را می‌توان به جای میوه مصرف کرد؟

از طرفی، مقایسه و مطابقت استانداردها با علوم انسانی، از جمله فقه و حقوق مدنی، نتایج ارزشمندی به دنبال دارد. برای مثال طبق استانداردهای حسابداری [بخش ۵-۳ مفاهیم نظری گزارشگری مالی]، لازمه‌ی شناسایی دارایی‌ها به‌عنوان یکی از عناصر صورت‌های مالی آن است که دستیابی به منافع دارایی از طریق راه‌های مشروع بوده و استفاده از آن در کنترل واحد تجاری باشد. این در حالی است که طبق فقه اسلامی، اصطلاحی با عنوان «قاعده لاضرر» وجود دارد که اساس آن قضاوت حضرت محمد (ص) در مورد شکایت فردی نصرانی از همسایه‌ای مسلمان است که درختش وارد حیاط او شده است. [کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد ۵ و حرعاملی، وسایل شیعیه، جلد ۲۵ و سایر منابع معتبر]. به‌طوری‌که همسایه‌ی مسلمان نه اجازه استفاده از میوه‌ی شاخه‌های وارد شده به حیاط همسایه‌ی نصرانی را می‌داد و نه هنگام ورود به حیاط همسایه (برای چیدن میوه‌ها)، اجازه می‌گرفت.

وقتی پیامبر صاحب درخت را احضار کرد و از طرق مختلف نتوانست فرد مسلمان را به سازش وادارد، با دو استدلال حکم به نفع مرد نصرانی داده و خطاب به او فرمود: بی‌درنگ برو و درخت او را از ریشه برکن و جلوی پیش‌بیناندا! زیرا اسلام هرگونه زیان رسانیدن به افراد را ممنوع

ساخته است که از آن با عنوان قاعده‌ی لاضرر یاد می‌شود. همچنان‌که استاندارد حسابداری ملزم داشته که دستیابی به حقوق و منافع دارایی می‌بایست به شیوه‌ای مشروع صورت پذیرد. همچنین وقتی مرد انصاری درخت را از جای برکند و به سوی صاحب درخت انداخت. پیامبر خطاب به آن مرد خاطی فرمود: حال برو و هرکجا که خواستی درخت را غرس کن، زیرا اکنون درخت در اختیار توست. همان‌طور که طبق استاندارد حسابداری، شرط مالکیت آن است که در کنترل مالک آن (شخصیت حقوقی) باشد.

همین قضاوت پیامبر، پشتوانه‌ی اسلامی و فقهی مواد ۱۳۱ الی ۱۳۶ قانون مدنی کشور است. به‌طوری‌که ماده‌ی ۱۳۱ مقرر می‌دارد:

اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود، باید از آن جا عطف کند و اگر نکرد همسایه می‌تواند آن را عطف کند و اگر نشد از حد خانه‌ی خود قطع کند و همچنین است حکم ریشه‌های درخت که داخل ملک غیر می‌شود. همچنین طبق ماده ۱۳۲ کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

برهمین منوال، نحوه‌ی شناخت دارایی‌ها و بدهی‌ها و همچنین شناسایی درآمدها و هزینه‌ها قابلیت تطبیق دارد، لیکن در این مقال نمی‌گنجد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی بر آن بود تا ضمن تأکید به کیفیت و منطق اصولی استانداردها، اجمالاً به مطابقت آن با مفاهیم اسلامی و قانونی کشور اشاره شود. قاعدتاً اگر سایر الزامات و مفاهیم اساسی استانداردها نیز مورد مطابقت قرار گیرد، ضمن تسهیل یادگیری و

فهم استانداردها برای دانش‌پژوهان حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، از طریق بالابردن تسلط و توانمندی قانون‌گذاران، الزام‌آوران و صاحب‌نظران به اصول و قواعد اسلامی و حقوقی، موجب ارتقای کیفیت قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و لوایح مالی خواهد شد. بنابراین همان‌طور که در طی قرون اخیر اساتید حسابداری در غرب، فارغ از هرگونه تعصب به یادگیری و توسعه‌ی علم حسابداری پرداخته‌اند، محققین حسابداری و صاحب‌نظران حرفه‌ای می‌بایست به‌جای تقابل با استانداردها، به بررسی و مطابقت صحیح استانداردها با عوامل مختلف فرهنگی کشور بپردازند. به‌نظر می‌رسد کم‌ارزش جلوه دادن استانداردها به طرق مختلف، وسیله‌ای نامناسب برای اقلیتی است که از درک استانداردها عاجز بوده و جز برای جلب افکار عوام، ارزش دیگری ندارد.

باید توجه داشت اکنون که سرمایه‌گذاران، سازمان امور مالیاتی و بانک‌ها و سایر اشخاص ذی‌صلاح اقتصادی در کشور مبادرت به پذیرش و به‌کارگیری استانداردهای حسابداری کرده‌اند، ترویج تفکرات و انتظارات غلط توسط مدرسین دانشگاه یا اعضای حرفه در خصوص استانداردها، آثار زیان‌باری برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی و ذی‌نفعان واحدهای اقتصادی به‌وجود خواهد آورد. خصوصاً در شرایطی که به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری، پیش‌شرطی مهم برای رونق اقتصادی کشور از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عضویت در سازمان تجارت جهانی است، می‌بایست به جای موضع‌گیری و مخالفت، به یادگیری و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی همت کنیم. لازمه‌ی انجام این مهم، بازنگری در طراحی مباحث و منابع آموزشی برای مقاطع مختلف دانشگاهی و تشویق دانشجویان به فراگیری استانداردهای مزبور است. ■

در مواقعی که یک قانون به‌درستی رعایت نشود، به‌جای آن‌که به فکر حذف قانون باشیم، می‌بایست به دنبال رفع موانع اجرای قانون و بهبود بستر و سایر اقدامات مورد لزوم باشیم